

کتاب خوشنویسی و فرهنگ اسلامی

■ خوشنویسی و فرهنگ اسلامی
■ نوشته: آن ماری شیمل
■ ترجمه: دکتر اسدالله آزاد
■ انتشارات آستان قدس رضوی

● کاوه تیموری

قرار خواهد گرفت از دو ویژگی مهم «ذوق و شور هنرمندانه» و «رویه تحقیقی محققانه» برخوردار خواهد بود و این امر از مواردی است که تا انتهای کتاب نشانی‌های متعددی برای آنها یافت می‌شود. زیرا شیمل در جای جای کتاب با عشقی زایدالوصف از جاذبه‌ها و جلوه‌های هنر خوشنویسی نمونه و مصداق ارائه می‌دهد. مجموعه کتاب از یک پیش‌گفتار، چهار فصل، دو پی‌افزود، یادداشت‌های مربوط به چهار فصل، کتابنامه آثار خط، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و قسمت پایانی آن یعنی نمایه تشکیل یافته است.

همچنین در آغاز کتاب مقدمه‌ای از استاد نجیب مایل هروی با عنوان «کتابی‌ز، سمن زاری دلاویز» آمده که در بردارنده تقدی مثبت بر این اثر می‌باشد. اما بدنه اصلی و مورد استفاده برای هنرجویان و علاقمندان هنر خوشنویسی چهار فصل عمده آن است که با عناوین زیر آمده است:

۱- فصل اول: شیوه‌های خوشنویسی

۲- فصل دوم: خوشنویسان، درویشان و شاهان

۳- فصل سوم: خوشنویسی و عرفان

۴- فصل چهارم: خوشنویسی و شعر

در فصل اول کتاب شیمل از اهمیت نوشتن در فرهنگ اسلامی و حفظ کلام الهی یاد می‌کند و نمونه‌هایی از نفوذ حروف عربی به عنوان عناصر تزئینی در کشورهای اروپایی - از جمله در حواشی شغل تاجگذاری امپراطوران آلمان - ارائه می‌نماید.

وی تکامل بخشی خط کوفی را به عنوان یکی از معجزات دین اسلام بیان می‌دارد که در مدت کوتاهی تحول یافت و از نظر زیباشناسی و ساختار قواعد هندسی منجر به بوجود آمدن شیوه‌های نوینی گردید. وی نیای روحانی خوشنویسان را همانند اهل تصوف حضرت علی (ع) معرفی می‌نماید. در این فصل علاوه بر توصیفی از قرآن‌های نگارش شده با خط کوفی، سیر تکامل این خط و تعمیم آن به کوفی غربی و شرقی و تأثیر ایرانیان در ایجاد تحول و تنوع در آن پرداخته شده و راه یافتن جلوه‌های این خط به عنوان عناصر تزئینی در روی مهرها، سنگ‌ها و همچنین درهم پیچیده شدن حروف و ایجاد هم‌نشینی با سایر عناصر تزئینی

آن ماری شیمل (ANNE MARIE SCHIMMEL) یکی از مستشرقانی است که جامعه فرهنگی، با آثار و مطالعات او در عرصه فرهنگ اسلامی و وجوه گوناگون آن آشنا هستند.

کتاب خوشنویسی و فرهنگ اسلامی نمایی تازه از تحقیقات اوست که در زمره مطالعات و آثاری است که در وادی هنر خط و ارتباط آن با سایر وجوه ادبی مانند شعر و عرفان و همچنین آداب و جزئیات پر پیچ و خم هنر خوشنویسی قرار می‌گیرد. در حقیقت این کتاب با توجه به محتوای آن یکی از آثاری به شمار می‌رود که به عنوان یک حلقه رابط، علاقمند هنر خوشنویسی امروز را به ادبیات و پیشینه این هنر در گذشته پیوند می‌دهد. این نکته از آن جهت حایز اهمیت است که مخاطبان امروز این هنر به علت نبودن آثار مناسب در زمینه دانش هنر خوشنویسی و پشتوانه نظری آن با زمینه‌های پیدایش و فراز و فرود این هنر ارجمند ارتباط پایسته و شایسته‌ای نیافته‌اند. همین امر و نگاه کردن این هنر بدون یک نگاه تاریخی از گذشته تا حال این مشکل را بوجود می‌آورد که انگیزه‌های لازم برای تدویم این هنر از ذهن و ضمیر آنها رخت بربندد. اما خوشبختانه آن ماری شیمل در این اثر که به علت بهره‌مندی مؤلف آن از مانوس بودن ادب فارسی به طرز جذاب و شیرینی تحریر یافته، باب سخن را با علاقمندان و مخاطبان باز می‌کند و آنان را به تفرجی دلنشین در وادی خط دعوت می‌نماید.

اصولاً سخن گفتن و قلم زدن از هنر خوشنویسی که کاتبان از آن به عنوان «حرفه طاقت‌فرسای مشاقتی» نام برده و همواره پیش از کلمه کتابت کلمه «رنج کتابت» را بر آن افزون نموده‌اند محتاج و مستلزم عشقی پایدار است که دشواریهای این هنر پر رمز و راز را به تعبیر مولانا با «پیشوایی عشق» عملی سازد و صدا البته که محققان این عرصه نیز باید از چنین ویژگی مهمی برخوردار باشند. شیمل در پیش‌گفتار، کتاب را به دو اوستاد خویش تقدیم می‌کند «که برای افروخته و زنده نگاه‌داشتن شعله عشق [او] به خوشنویسی اسلامی زحمات فراوان تحمل کردند.» و بدین ترتیب به راحتی می‌توان دریافت که اثری که فراروی خواننده اهل تأمل





شیر بر ساخته از نیایشهای شیعی

فصل پایانی کتاب یعنی فصل چهارم به بیان رابطه شعر و خوشنویسی می‌پردازد و اینکه مضامین خوشنویسی از کاغذ و دوات و قلم و مرکب عرصه‌ای تازه برای استفاده در تشبیهات شاعرانه بوده و شاعران و گویندگانی در ادب فارسی و ادب ترکی نازک خیالی‌های زیادی را در این خصوص ابداع کرده‌اند. مؤلف بر این معنا واقف است که کیفیت موزون و موسیقایی خطی مانند نستعلیق که از آن به عنوان خطی شاعرانه یاد می‌کنند و یا شکسته که از آن به عنوان خطی عاشقانه نام می‌برند، می‌تواند الهام بخش شاعران برای بکارگیری مضامین دلنشین این هنر در شعر آنان باشد و با ارائه نمونه‌هایی در این خصوص از شاعرانی چون بیدل دهلوی، کلیم کاشانی و... و ترجمه‌هایی از اشعار ترکی به غنا و قوت این ارتباط تنگاتنگ می‌افزاید. البته پیوند میان شعر و خط امری است که تا روزگاران نیز تداوم یافته و در شرح حال بعضی از شعرا و خوشنویسان مانند عبدالرحیم افسر اصفهانی، تذکره‌نویسان در مانده‌اند که واژه «خوشنویس شاعر» را بکار بگیرند یا «شاعر خوشنویس» را.

در مجموع باید اشاره نمود که کوشش شیمیل در تدوین و تألیف این اثر کوششی ارجمند و ستودنی است. ارجاعات، پانویس‌ها و منابع کتاب برای چهار فصل آن در پایان آمده که بهتر بود پی‌نوشتها و منابع هر فصل در انتهای آن ذکر می‌شد و این امر به مراجعه راحت آنها کمک می‌نمود.

این کتاب در کنار آثار قدیمی مانند تذکره‌های خط و خطاطان و کتاب گلستان هنر و نیز در کنار آثار معاصرین مانند اطلس خط مرحوم حبیب... فضاییلی (۱۳۰۱ - ۱۳۲۶) از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار است.

ترجمه اثر نیز روان و متین است و افزوده‌هایی با در نظر داشتن سجاوندی‌های معمول در متن به کار گرفته شده که باعث بهتر شدن نثر گردیده است.

بدون شک مطالعه عمیق و دقیق این اثر می‌تواند به ارائه تصویر روشنی از هنر خوشنویسی و سیر تاریخی آن و ارتباط با مقدمه‌هایی چون شعر و عرفان کمک نماید و برای رهروان این هنر و محققان سودمند افتد.

آورده و با توجه به اینکه خط یکی از ویژگیهای مهم فرهنگ اسلامی بوده تأکید می‌نماید که بسیاری از سلاطین و پادشاهان منجمله بایستقر میرزا، شاه‌اسماعیل صفوی و دیگران، خود در زمره خوشنویسان مبرز بوده‌اند.

در صفحه ۸۶ کتاب در کنار نام میرعلی، پسوند تبریزی به صورت افزوده آمده که در چند کلمه جلوتر نیز باز به همان شکل افزوده از این میرعلی تبریزی به عنوان واضح خط نستعلیق نام برده شده در حالی که مراد نویسنده، میرعلی هروی بوده است، و احتمالاً توسط مترجم محترم افزوده شده است.

در همین فصل نیز مؤلف محترم از پیوند بین خط نستعلیق و متن به خوبی آگاه است به گونه‌ای که عدم قبول عام برای نگارش قرآن به خط نستعلیق را بیان داشته و این امری است که نویسنده مقدمه نیز بر آن تصریح داشته‌اند. اما در آگاهی مؤلف بر این نکته تشکیک کرده‌اند.

در فصل سوم نویسنده کتاب از پیوند عرفان و هنر خوشنویسی به مثابه دو مقوله‌ای که دارای نیای روحانی مشترک یعنی حضرت علی (ع) هستند سخن می‌گوید. بیان نکته‌های باریک عرفانی و بکار بردن اصطلاحات این وادی در نگاه نخست ذهن خواننده را متوجه نمادهای ویژه دنیای عرفان می‌نماید و اینکه این فصل باید با استفاده از پیشینه‌ای عرفانی مورد مطالعه قرار گیرد.

راز و رمز عرفانی حروف عربی و الفاظ قرآن و تجربه عارفان از این حروف و کیفیت خاص برای آنان قائل شدن از دیگر مطالب ارائه شده است.

همچنین بیان اهمیتی ویژه برای متون مذهبی مانند قصیده عربی که در مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص) گفته شده و توسط خوشنویسان بارها استنساخ شده و عرفا بدان دل بستگی خاصی داشته‌اند، مورد توجه نویسنده است.

تشبیه‌های عرفانی و رازورگی حروف تا آنجاست که عرفا از مرغ بسمل که بوسیله عبارت بسم‌الله‌الرحمن الرحیم ترسیم شده، بسان پرنده‌ای فرشته‌سان که مسلمانان را به نماز صبح می‌خواند یاد می‌کنند.

مانند گل‌ها و برگها سخن به میان رفته است. تشبیهات و استعارات زیبای نویسنده کتاب در لابلای نثر جذاب آن همانند استراحت‌گاهی برای خواننده است. تشبیه قرآن با خط کوفی و اعراب رنگی آن به «باغی رنگارنگ» و تشبیه خط کوفی با تزئینات و آرایش منظم به «شعری با قافیه واحد» و یا «باغی مزین و آراسته» حظ خواننده را مضاعف می‌نماید. تحول خط مستدیر [نسخ] بخاطر نیازهای اداری و ایجاد شیوه‌های طومار، توقیع و تأثیر کاغذ در رواج هنر خوشنویسی، مقدمه نویسنده برای آغاز بحث مهم تحول در خط نسخ بدست «ابن مقفله بیضاوی شیرازی» است. چرا که هم اوست که تناسب و اندازه حروف را بر مبنای مقیاس نقطه قرارداد و میزان هندسی حروف را بر این قاعده تنظیم کرد و پس از این بؤاب به آن قواعد، جان بخشید و در نهایت تلاش‌های او منجر به پیدایش خطوط ششگانه شامل ثلث، نسخ، توقیع، ریحان، محقق و رقاع گردید و بعدها سه شیوه ایرانی خاص یعنی تعلیق، نستعلیق و شکسته‌نستعلیق نیز بدان افزون گردید.

در فصل دوم کتاب نویسنده از خوشنویسی به عنوان بخشی اساسی از پیکره جهان اسلام یاد می‌کند و از وجود خط در متن زندگی پادشاهان و بزرگان و توجه ویژه آنها به خطاطان حکایت می‌نماید در این فصل به محتوای رساله‌ها و آداب‌الخط‌های نویسندگان در مورد سیر و سلوک رهروان این هنر اشاراتی رفته و برای توفیق در هنر خط به ویژگی‌های مهمی چون خلق و خوی نکو و فروتنی و تأکید بر این نکته که «صفای خط از صفای دل است» اشاره شده است.

آشنایی با ساز و برگ و ابزار خوشنویسی مانند قلم، دوات، کاغذ و معرفت یافتن بر تمام ویژگی‌های آنها براساس روایت‌های استادان فن نیز مطرح می‌شود و برای قلم از سوی یکی از پیش‌کسوتان نقل می‌کند: «آنی که وزنش سبک، اهمیت و اعتبارش سنگین و کاربردش بسیار است.»

شیمیل در این فصل به منزلت رفیع اجتماعی خانواده‌های خوشنویسان اشاره دارد و همچنین از پیوند تنگاتنگ میان حکمرانان و خوشنویسان سخن به میان